

مسئولیت پذیری اجتماعی شهروندان در امور شهری

معصومه راز

کارشناس رشته راهنمایی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

Email: masomeh.raz1402@gmail.com

چکیده

مفهوم شهروندی یکی از دیرپاترین مفاهیم سیاسی، اجتماعی، حقوقی و شهری است که متفکران، در حوزه های مختلف و از یونان باستان تا به امروز به آن توجه داشته اند. کسب مهارت های شهروندی، یا به عبارت دیگر تبدیل شدن به ی شهروند مؤثر و کارآمد، مستلزم آگاهی از حقوق و تکالیف و مسئولیت شهروندی است، آگاهی شهروندی در جوانب مختلف عامل سایر مهمی برای تداوم زندگی جمعی در دنیای پرمخاطره مدرن است. آگاهی شهروندی باعث می شود فرد تکالیف و مسئولیت خود را بشناسد. این شناخت از یک سو عاملی است تا شهروندان تکالیف و مسئولیتشان را به نحو احسن انجام دهند و از سوی دیگر باعث رسیدن آنها به سبکی از زندگی که در رفع کمیابی و نیازهای آنها در راستای رسیدن به توسعه باشد. با توجه به اهمیت سبک زندگی در ایجاد توسعه محوری از یک سو و اهمیت آگاهی شهروندان و مسئولیت پذیری در تحقق مهم از سوی دیگر، در این پژوهش مسئولیت پذیری اجتماعی و فردی شهروندان مورد بررسی قرار می گیرد.

کلمات کلیدی: حقوق شهروندی، مسئولیت پذیری اجتماعی، شهرداری

مقدمه:

شهروند مرکب از دو کلمه شهر به معنای جامعه انسانی و وند به معنای عضو وابسته به این جامعه است. حقوق شهروندی از جمله دستاوردهای مثبت بشری است که در بسیاری از موارد مورد تأیید دین مبین اسلام نیز می‌باشد؛ حقوقی از جمله حق حیات، حق آزادی بیان و انتقاد، حق تعیین سرنوشت، حق امنیت، حق برابری، حق عدم تبعیض و...، همگی مورد تأیید و تأکید اسلام هستند. شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که به طور خاصی به عدالت و برابری توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه خاصی پیدا کرده است. مقوله شهروندی وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق سیاسی و مدنی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند.

یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود که در قانون پیش بینی و تدوین شده است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این روی از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول، هدف‌ها، وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان به عنوان مهم‌ترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است.

شهروندی از این منظر، مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آن‌ها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. همچنین مشارکت‌های اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان مؤثر خواهد افتاد. در واقع این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی در نگاه کلی‌تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد. دریافت این مفاهیم شهروندی نیازمند فضایی مناسب برای گفتگو و مشارکت مردم با نقطه نظرات متفاوت و نظارت عمومی است.

مسئولیت و مسئولیت پذیری اجتماعی

مسئولیت به نوع پذیرش عمل انجام شده از سوی شخصی گفته می‌شود که در آینده اجتماعی وی تأثیر دارد. به دنبال این تعریف باید به این نکته اشاره کرد که نوع پذیرش عمل انجام شده هرچه باشد می‌تواند دلیل خوبی برای تثبیت جایگاه وی باشد. **مسئولیت پذیری اجتماعی** شایستگی است که ما را قادر می‌سازد مراقب تلاش‌های خود باشیم و در راه علائق دیگران و گروه‌هایی خدمت کنیم که خارج از حیطه نیازهای فردی، اهداف و نگرانی‌های ما قرار دارند.

مسئولیت پذیری اجتماعی، عامل اتصال و پیوند دهنده جوامع و گروه‌های اجتماعی است. مسئولیت اجتماعی فردی در مقایسه با مسئولیت اجتماعی گروهی مفهومی جدید است اما قدمتی برابر با قانون طلایی "با دیگران طوری رفتار کنید که دوست دارید با شما رفتار شود"، دارد. مسئولیت اجتماعی فردی با ایجاد یک موضع فعال نسبت به تاثیرگذاری مثبت بر دیگران و محیط بیرون از دایره خود بسط می‌یابد. مسئولیت اجتماعی فردی اساس مسئولیت اجتماعی گروهی است زیرا یک اجتماع از افراد تشکیل شده است و در نتیجه فرهنگ مسئولیت اجتماعی را مشخص می‌کند. این رابطه آمیختگی بین مسئولیت اجتماعی گروهی و مسئولیت اجتماعی فردی است. حقوق شهروندی آمیزه‌ای از وظایف شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت است و همچنین حقوق و امتیازاتی است که وظیفه تأمین آن‌ها بر عهده مدیران شهری، دولت و به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. یک شهروند، عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است؛ این دیدگاه حقوق و مسئولیت‌هایی را که در قانون پیش بینی و تدوین شده است را یادآور می‌شود. از این روی از دیدگاه شهری موضوع حقوق شهروندی روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول، اهداف، وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان به عنوان مهم‌ترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است. در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت است و

همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق برعهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، حقوق شهروندی اطلاق می‌شود. در این راستا، شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را در جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر بکار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمان‌ها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انجمن اولیا و مربیان و سازمان‌های غیردولتی (NGOs) عضویت داشته و فعالیت می‌کنند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در محکمه‌های عمومی، هیأت منصفه یا هیأت‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و نیز یافتن مشکلات و راه حل آن‌ها بسیار سودمند خواهد بود. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اجتماعات محلی و نهادهای مردم نهاد می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آن‌ها در جوامع نقش موثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند. در واقع مبنای این آموزش، پرورش یک شهروند نمونه یا شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی نیست بلکه به آنان می‌آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت‌های شهروندی در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند. تربیت شهروند یکی از فروع شهروندی است که با توجه به تحولات سریع اجتماعی، فن آوری و سیاسی دوران معاصر از جمله دل‌مشغولی‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در کشورهای جهان به شمار می‌آید.

مسئولیت‌های اجتماعی و فردی شهروندان

هر شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف دارد. تکالیف هر شخص به مسئولیت‌های شهروندی او مرتبط می‌شود. این مسئولیت‌ها و تکالیف در جنبه‌های گوناگونی می‌تواند مصونیت داشته باشد. بخشی از تکالیف، تکالیف فردی هستند و به خود فرد ارتباط پیدا می‌کند، مانند حفظ نظافت محیط پیرامون و رعایت قوانین شهری. بخشی دیگر هم به تکالیف اجتماعی افراد مربوط است، یعنی چون یک فرد در یک کشور زندگی می‌کند، نسبت به جامعه پیرامونی خودش طبق مسئولیت‌ها و تکالیفی که برعهده دارد باید عمل کند و باید به گونه‌ای باشد که دچار نقض اجتماعی نشود. این مسئولیت‌ها شامل کمک به افراد نیازمند و سالمندان، رعایت حقوق شهروندی و رعایت عدالت اجتماعی می‌شود.

دولت در قبال شهروندان چه مسئولیت‌هایی بر عهده دارد؟

دولت در برابر شهروندان خود تعهداتی دارد که باید به آنها عمل کند. حفظ کرامت انسانی، ارتباط با مردم، تلاش برای آبادانی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، افزایش سطح درآمد و رفاه مردم، گردش سرمایه و جلوگیری از انباشت آن، تخصیص عادلانه منابع و امکانات و رعایت اولویت‌ها، برقراری امنیت و ایجاد نظم و انضباط اداری و همچنین صیانت از حقوق فردی، همگی از تعهدات دولت در قبال شهروندان است. بنابراین، دولت در مقابل شهروندان مسئولیت‌های بسیار پراهمیت و مهمی بر عهده دارد که اگر این مسئولیت‌ها درست اجرا شوند، شهروندان هم برای انجام دادن مسئولیت‌های خود تلاش بیشتری می‌کنند.

یک شهروند فعال در بهبود بخشیدن کیفیت زندگی شهری چه نقشی را ایفا می‌کند؟

یک شهروند زمانی می‌تواند در بهبود بخشیدن کیفیت زندگی شهری خود مفید باشد که از حقوق شهروندی خود اطلاع داشته باشد تا در ارائه داوطلبانه خدمات عمومی ایفای نقش کند و با آموزش حقوق شهروندی به دیگران به شکل‌گیری اجتماعات فعال و توانمند کمک کند. شهروندان فقط تا زمانی که از حقوق شهروندی خود آگاهی داشته باشند می‌توانند افرادی را که در پی نقض قوانین شهری و حقوق شهروندی هستند، به رعایت حقوق شهروندی و قوانین شهری وادار کنند.

شهروند فعال چگونه می‌تواند در حل و فصل مسائل اجتماعی مؤثر باشد؟

شهروندان می‌توانند در مباحثی چون کاهش جرایم، بازسازی و تامین مسکن، آموزش و فرهنگ‌سازی حقوق شهروندی و حفظ و رعایت بهداشت و نظافت پیرامون شهری خود و حل و فصل بعضی مسائل اجتماعی دیگر مؤثر باشند. در ضمن، با راه‌های گوناگونی همچون مراجعه به دادگاه و مراجع قضایی نیز می‌توانند با مشکلات و معضلات اجتماعی برخورد کنند.

نقش مشارکت شهروندان در حفظ حقوق شهروندی چیست؟

گذشتگان می‌گفتند «حق گرفتنی است، نه دادنی.» بر این اساس، اگر شهروندان برای دفاع از حقوق شهروندی خود، از آن حقوق آگاهی داشته باشند و بر رسیدن به حقوق شهروندی خود پافشاری کنند، دولت چه در معنی قوه مجریه و چه در معنی حاکمیت، ناچار به تمکین و انجام دادن توقعات شهروندان می‌شود، ولی اگر شهروندان در حفظ حقوق شهروندی خود و کسب آگاهی درباره این حقوق کوتاهی انجام دهند، دولت هم در این زمینه دچار قصور و تقصیر می‌شود. بنابراین، نقش شهروندان در حفظ و صیانت از حقوق شهروندی یک امر ضروری است.

نتیجه‌گیری

نیازهای جدید وظایف جدید برای مدیریت شهری نیازهای جدید که در حقیقت وظایف جدید مدیران است به شرح زیر می‌باشد: «توسعه پایدار»؛ بر این اساس باید نگرش درون سازمانی مدیریت شهری به سازمان‌های جانبی و فعالیت‌های آنها تعمیم داده شود و شهرداریها نهادی مستقل و جدا از دیگر سازمانها که بعضاً برای حفظ منافع درون سازمانی به تقابل با آنها بر می‌خیزد- دیده نشوند و بدین لحاظ باید با مفاهیم کلی و فنی و جاری تمامی دستگاه‌های خدماتی که به شهروندان سرویس می‌دهند آشنایی حاصل کند. چنین دستگاه‌هایی نظیر آب و فاضلاب، برق، مخابرات و گاز تماس متقابل کمتری، با یکدیگر دارند لذا مدیریت شهری می‌تواند هماهنگ‌کننده و جهت‌دهنده مناسبی برای این سازمان‌ها باشد. «بهره‌وری»؛ بر خلاف آنچه تصور می‌شود در اجرای یک طرح لوله‌گذاری در خیابانهای اصلی شهر هزینه‌های واقعی فراتر از قیمت کالا و دستمزد پرداخت شده است در این مثال زمان اجرا بسیار اهمیت دارد. از دیدگاه بهره‌وری آثار تبعی مدت زمان مسدود بودن یک خیابان، شامل اختلال در زندگی، برهم زدن آسایش و تاثیر منفی در تردد و ترافیک است. آسیب‌های وارد آمده بر تاسیسات سازمان‌های دیگر نظیر آسفالت، برق، مخابرات و اختلالات ناشی از آن و نیز عدم استفاده برای فعالیت همزمان واحدهای خدماتی دیگر از فرصت به وجود آمده برای اجرا و یا تعمیر و رفع معایب در محدوده خیابان مورد نظر در زمره هزینه‌های پوشیده و نادیده قرار می‌گیرد. ارتقاء شهرنشینی، افزایش و ارتقاء بالفعل فرهنگی و اجتماعی شهر بر اساس زندگی فعال و پرثمر در شهرها علاوه بر اینکه موجب بالا رفتن توان اقتصادی آن خواهد شد می‌تواند باعث حفظ و نگهداری سرمایه‌های مردمی و بومی هر شهر و جلوگیری از سرازیر شدن آنها به شهرهای بزرگتر شود. چنین عملی هم در گسترش شهرهای کوچکتر تاثیر مثبت می‌گذارد و هم از اختلال در نظم شهرهای بزرگ جلوگیری می‌کند ایجاد و فعال کردن فرهنگسراها و کانون‌های فرهنگی به منظور تبادل اندیشه‌ها در زمره چنین اقداماتی می‌باشد. این امر باید مورد توجه شهرهای متوسط و کوچک نیز قرار گیرد. چنین مراکزی الزاماً نباید پر خرج و تقلیدی باشد، بلکه جلوه‌ها و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی خاص هر شهری می‌تواند زمینه‌های مساعد و مناسبی برای برنامه‌ریزی‌ها و ایجاد تحرک در بخش‌های مختلف این کانون‌ها و در نتیجه جذب قشرهای مردمی باشد. چنین مکانهایی علی‌الخصوص در جهت فراهم کردن امکان تخلیه روانی شهروندانی که در مناطق پرتراکم و محله‌های پر جمعیت سکونت دارند مهم است. دیدگاه‌های نو رشد سریع شهرها و تمرکز جمعیت کشورها در آنها دیدگاههایی نو و در عین حال غیر متداول را برای حل مشکلات و پاسخگویی به نیازهای جدید شهروندان می‌طلبد به عنوان مثال عامل اصلی آلودگی محیط زیست متوجه جمعیت و افزایش آن می‌باشد و همچنین تحرک و جابه‌جایی ناگزیر شهروندان و گسترش دامنه فعالیت‌هایشان و نیز وسایل متعددی که برای ایجاد خسارت به محیط در اختیار دارند نیز دخیل است. نحوه برخورد متقابل مردم و سازمان‌های دیگر هر چند ظاهراً هیچ ارتباطی به حوزه خدمات شهری ندارد و یا ارتباط کمی دارد ولی اصلاح چنین برخوردها و شیوه‌های پاسخگویی به نیازهای اداری ارباب رجوع تاثیر به‌سزایی در کاهش هزینه‌های شهری دارد. برپایی مراکز خدمات دولتی در شهرها می‌تواند بسیاری از رفت و آمدهای درون شهری را حذف کند کاهش تردد نه تنها باعث تقلیل هزینه خدمات شهری و کاهش استهلاک سرمایه‌ها می‌شود بلکه برخوردهای غیر فیزیکی و روانی مردم و اصطکاک میان آنها را نیز تقلیل می‌دهد. مشارکت‌های مردمی، راه حل نهایی برای حل مشکلات فعلی و آینده شهرها مشارکت فعال نیروی مردمی راه حل نهایی است که متأسفانه این نیرو دست نخورده و این‌گونه مشارکت‌ها غیر فعال باقی مانده‌اند، تجربه نشان داده که به کارگیری استعدادهای مردمی موجب بروز ابتکارها و خلاقیت‌ها می‌شوند که در شرایط عادی تصور نمی‌شود. برای استفاده از این امکانات بالقوه -استعدادهای مردمی- سپردن کارهای اجرایی و عملی به شهروندان ضرورت دارد لذا: الف) اگر تلاشهایی برای تعمیق دیدگاههای محلی و کمک به آنها در جهت دستیابی درست به مشکلات و راه حل‌های آنها از سوی حکومتها صورت گیرد آنگاه نیازها و خواسته‌های محلی به صورت واقعی و به

